



سوره مبارکه رعد

جلسه اول: ۹۳/۱/۲۶

* نگاهی اجمالی به کل سوره مبارکه رعد:

- آیه ۱: موضوع «آیات کتاب» و «نزول آن به حق» در این سوره موضوع محوری است. همان‌گونه که در سوره مبارکه یوسف آمده بود ایمان آوردن انسان‌ها به کتاب در این سوره نیز بیان شده است.
- در این سوره «حق بودن» و «توحید» بسیار پر رنگ است.
- آیات ۲ تا ۴: «یقین»، «تفکر» و «تعقل» جزو موضوعات مهم سوره مبارکه رعد هستند. اینها ابزارها و قوایی هستند که سوره مبارکه رعد با به کارگیری آنها معرفت و معارف خود را منتقل می‌کند. به عبارتی ابزارهایی برای «رؤیت آیات و حق» آیات هستند.
- آیات ۵ تا ۷: پیامبر مُنذر است و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای آمده است.
- آیات ۸ تا ۱۱: معارف این سوره بسیار بلند است.
- شروع این سوره با «المرا» است، در واقع این سوره اتصال‌دهنده سور «الر» و «الم» است. یعنی قله سوره‌های «یونس ع، هود ع، یوسف ع، ابراهیم ع، حجر» و «بقره، آل عمران، عنکبوت، سجده، روم و لقمان» است. یعنی این سوره قله بخش مهمی از سوره‌های مهم اجتماعی و معرفتی قرآن است. لذا به لحاظ اوج بلندای توحیدی، در سطح سوره‌هایی مانند توحید و حدید است و به لحاظ سختی که با سور الم دارد، حیثیت اجتماعی نیز در این سوره‌ها بسیار مهم است و از طرفی به خاطر ارتباطی که با سوره «الر» دارد، وجه آسیب‌شناسی جامعه و موضوع ایمان در آن موج می‌زند.
- تدبیر کردن در این سوره بسیار سخت است. زیرا هر آنچه خوبان دارند این سوره همه را یکجا دارد. به همین دلیل بعد از اتمام سوره سئوالات بسیاری برایمان باقی خواهد ماند. نشانه تدبیر کردن در این سوره این است که بعد از خروج از سوره سئوالات بیشتری نسبت به ورود به سوره برایمان ایجاد خواهد شد.
- آیات ۱۲ و ۱۳: حال سوره مبارکه رعد در مورد انسان مانند آیات ۱۲ و ۱۳ است. هر سوره‌ای برای ارائه، حالی مخصوص خود دارد. حال سوره مبارکه رعد، مانند رعد است. یعنی حالی که ایجاد می‌کند طولانی نیست زیرا «رعد» طولانی نیست بلکه ثمرات آن است که در آینده طولانی است.
- این سوره، رعدی بر اعتقادات انسان می‌زند و سپس می‌گذرد و ثمرات این رعد تا مدت‌ها به انسان می‌رسد.
- این سوره بسیار بزرگ است و عظمت آن برای انسان خوف ایجاد می‌کند. این سوره حتی در آسمان ملائکه، «خیفه» ایجاد می‌کند چه برسد به آسمان انسان‌ها.
- سوره رعد، جلوه هیبت و جلال امیرالمؤمنین (ع) است.
- جلال الهی به گونه‌ای است که حتی وقتی دیگری را مورد خطاب قرار می‌دهد، کسی که مورد خطاب هم نسبت قالب تهی می‌کند چه برسد به فرد مورد خطاب.

- این هیبت را سوره مبارکه هود نیز دارد اما این هیبت در سوره مبارکه هود، در کل سوره و داستان‌هایش پخش است ولی در این سوره جمع شده است، به همین علت ضرب آن بسیار زیاد است. به همین علت توپر است و سرو صدا و نور بسیاری دارد.

- آیه ۱۴: «لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ» این آیات غرر آیات قرآن هستند. دعوت فقط برای خداست و هیچ احدی در این عالم نمی‌تواند دعوت کند.

- در سوره مبارکه یوسف (ع) در فرآیندی بلند، یعنی حدود ۴۰ سال، درک فقر ایجاد شد اما در این سوره، درک فقر در چند دقیقه ایجاد می‌شود. به همین علت این سوره را هر چند وقت یکبار باید خواند تا بارش‌های این سوره به ما برسد و هرگاه، میزان بارش کم شد باید مجدداً این سوره را خواند تا دوباره رعد ایجاد شود.

- آیات ۱۵ و ۱۶: اگر کسی بخواهد تفاوت «خالق و مخلوق» را به خوبی درک کند جای آن در این سوره است، اگرچه در سوره دیگری نیز این موضوع آمده است. عالی‌ترین تمایزی که انسان باید یاد بگیرد و بفهمد، تمایز بین «خالق» و «مخلوق» است. تمایز بین «وجود» و «موجود»، تمایز بین «هست» و «هستی».

- آیه ۱۷: مَثَلِ تَوْحِيدٍ از بلندترین امثال قرآن است.

- آیه ۱۸: در این آیه «توحید»، «دعوت»، «استجابت»، «حُسن» را با هم آورده است.

- آیه ۱۹: کور آن کسی است که نمی‌فهمد آنچه از جانب خدا نازل شده، حق است. از این آیه می‌توان فهمید که سطح توحید در این سوره بسیار بالاست.

- این سوره، سوره «اولوالالباب» است. چند سوره در قرآن سوره «اولوالالباب» است مانند سوره مبارکه زمر، آل عمران و ... البته این سوره به نوعی شاخص است زیرا «اولوالالباب» در یک سلسله آیات در این سوره توصیف شده است.

- آیات ۲۰ تا ۲۵: مشتقات واژه حُسن و سوء در این سوره بسیار زیاد است.

- آیات ۲۶ تا ۲۸: این سوره، سوره آرامش (تطمئن القلوب) است. سوره‌ای که چنان رعدی عظیم دارد، آرامش هم در چنین سوره‌ای یافت می‌شود. در عالم همه چیز زوجیت دارد، به همان اندازه که این سوره «خوف» دارد به همان اندازه نیز «رجاء» دارد.

- انسان در این سوره، مانند کشاورزی است که همه زندگی‌اش بند آمدن باران است. یعنی به همان اندازه که رعد برایش خوف دارد، شاد نیز می‌کند.

- آیات ۲۹ تا ۳۱: در آیه ۳۱ آمده است: «و اگر قرآنی بود که کوه‌ها بدان روان می‌شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می‌گردید، یا مردگان بدان به سخن درمی‌آمدند [باز هم در آنان اثر نمی‌کرد]. نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد». بنا بر نظر آقای جوادی آملی، منظور این نیست که این موارد در توان قرآن نیست بلکه منظور این است که قرار نیست ایمان آوردن افراد با چنین صحنه‌هایی باشد. رعد و برق قرآن، معجزه حسی نیست بلکه رعد و برق آن، درونی است. فرق بسیار است بین اینکه صدای رعد و برق پخش شود یا اینکه واقعاً رعد و برق بزند. زیرا صدای رعد و برق خوف دارد اما بعد از آن بارشی نیست ولی رعد و برق واقعی، خوف دارد و بعد از این خوف بارش هم وجود دارد. خوف قرآن به گونه‌ای است که بعد از آن رعد و برق، همه آسمان دل فرد تکان داده می‌شود و باران‌زا می‌شود.

- آیات ۳۲ تا ۳۵: سطح توحید این سوره چنان بالاست که حتی بهشت را «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ» معرفی کرده است. «مَثَلُ» یعنی اینکه «جاری شدن آنهار از ذیل درختان»، تمثیل بهشت است و حقیقت آن بسیار بلند مرتبه است و این بهشت جلوه آن حقیقت است.

- آیات ۳۶ تا آخر: آیه آخر این سوره نیز بسیار بالاست. یکباره در آیه آخر، شخصیتی در سوره مطرح می‌شود به نام «عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». توجه: «عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، غیر از رسول است زیرا او شخصی است که پیامبر (ص) مأمور می‌شود که بگوید: «شهادت خدا و آن کسی که علم کتاب نزد اوست میان من و شما کافی است.»

- آیه آخر این سوره جزء آیات استثنایی قرآن است. چنین جایگاهی در کل قرآن بی‌نذیر است کسی که شاهد بین خدا و پیامبر (ص) است و علم کل کتاب نیز نزد او موجود است.

- حضرت علامه آیات ۱ تا ۴ را دسته اول در نظر گرفته‌اند:

دسته اول آیات ۱ تا ۴:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الم تر تلك آیات الكتاب و الذي انزل إليك من ربك الحق و لكن اكثر الناس لا يؤمنون (۱)
الف، لام، میم، را. این آیات کتاب [خدا] است، و آنچه از پروردگارت به سوی تو نازل شده حق است، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.
الله الذي رفع السموات بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش و سخر الشمس و القمر كل يجري لأجل مسمى يدبر الأمر يفصل الآيات لعلكم بقاء ربكم تؤقنون (۲)
خداوند کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که ببینید برافراشت. آن‌گاه به عرش پرداخت و خورشید و ماه را مسخر کرد. هر یک برای مدتی معین روانند.
و هو الذي مد الأرض و جعل فيها رواسي و أنهاراً و من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين يغشي الليل النهار إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون (۳)
و اوست که زمین را بگسترده و در آن کوه‌های استوار و رودها پدید آورد، و در آن از هر گونه میوه‌ای جفت جفت آفرید. شب را بر روز می‌پوشاند. قطعاً در اینها آیاتی است برای مردمی که تفکر کنند.
و في الأرض قطع متجاورات و جئات من أعناب و زرع و نخيل صنوان و غير صنوان يستقى بماء واحد و نقصل بعضها على بعض إن في ذلك لآيات لقوم يعقلون (۴)
و در زمین قطعه‌هایی در کنار هم قرار دارد [که با هم متفاوتند] و باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌هایی از یک ریشه و غیر یک ریشه، که همه آنها با یک آب سیراب می‌شوند، و بعضی را بر بعضی دیگر در محصول برتری می‌دهیم. بی‌گمان در اینها برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل روشنی است.

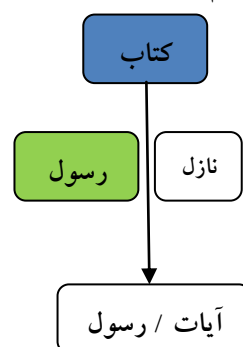
- آیه ۱: در سوره دیگر وقتی درباره «آیات» سخن به میان آمده است، درباره فهم نکردن آیات و رسول صحبت شده، اما در این سوره

در آیه ۱، درباره «حق» بودن آیات تأکید شده است. (آن کسی که به سوی تو نازل شده، حق است)

- یعنی «کتاب»، شخصیتی است دارای عقل و نباید آن را «چیزی که» نامید. (توجه: موصول الذی آورده است)

- در سوره دیگر «حق بودن آیات و کتاب» بیان شده، اما در این سوره «حق بودن خود کتاب» آمده است. در سوره دیگر گفته شد که

رسول، واسطه نازل شدن آیات کتاب است و خود رسول هم جلوه آیات کتاب است.



- «حق» بودن کتاب یعنی «او هست»، «وجود دارد». «کار می‌کند»، «اثر دارد».

- به همین دلیل در سور قبل با «آیات و تفصیل آن» بسیار سروکار داشتیم اما در این سوره، با «خود کتاب» سروکار داریم. در این سوره می‌خواهیم بدانیم «حق بودن کتاب» و «ایمان داشتن به آن» یعنی چه؟

- آیه ۲: این آیه در توضیح «الله» آمده است. الله کسی است که «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». ابتدای آیه توضیح الله است و وسط آن توضیح آسمان‌ها و زمین برای دین تدبیر امر خداست و انتهای آیه مسیری برای رسیدن به لقاء خداست. به طور خلاصه: ۱- الله را معرفی کرده است. ۲- نشان دادن تدبیر امر عالم ۳- ایجاد یقین در انسان‌ها نسبت به لقاء رب.

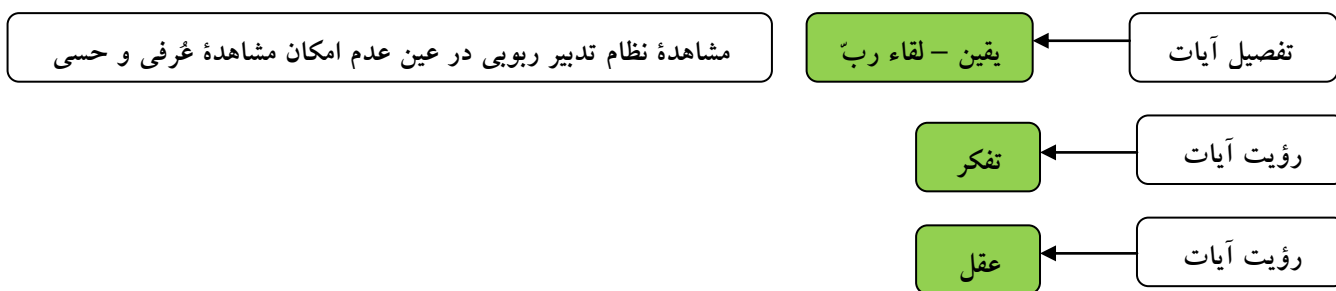
- حضرت علامه در توضیح آیه ۱ جمله‌ای مهم آورده‌اند:

این موجودات و نظامی که در عالم کون است (و اگر با لفظ "تلک" که اشاره به دور است اشاره کرد برای این بود که ارتفاع مکان و عظمت آنها را برساند) آیات کتاب عمومی **تکوینی** است که دلالت می‌کند بر اینکه خدای سبحان، واحد است و برای او شریکی در ربوبیت نیست،

- آیه ۲: در این آیه، بر «یقین» تأکید شده است.

- آیه ۳: در این آیه، بر «تفکر» تأکید شده است.

- آیه ۴: در این آیه، بر «عقل» تأکید شده است.

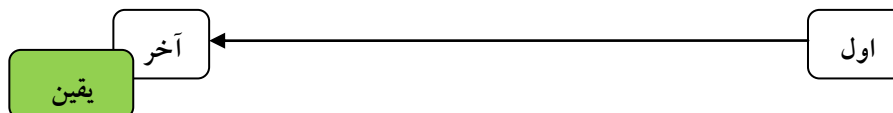


- مشاهده نظام تدبیر ربوبی، در عین عدم امکان مشاهده عرفی و حسی: یعنی نظام ربوبی، قابل مشاهده نیست بلکه نتیجه این تدبیر، قابل مشاهده است. نظم این نظام، قابل مشاهده است اما اسباب آن قابل مشاهده نیست.

- این مطلب درباره «لقاء رب» نیز بیان شده است. زیرا برای لقاء رب نیز ایزاری وجود ندارد. همان‌طور که می‌پذیریم آسمان‌ها نگه داشته‌اند بدون اینکه ستون‌های آنها قابل مشاهده باشند، یعنی ما اسباب این نگه داشتن را بفهمیم، زنده شدن بعد از مرگ و رسیدن به لقاء الله را نیز باید همان‌گونه بفهمیم. لقاء را باید بپذیریم چون برای پذیرش لقاء چگونگی لازم نیست.

- آیه ۳: زمین را گسترده کردیم و در آن رواسی و آنهار قرار دادیم و همه آنها به طور زوجیت ثمرات دارد. آنچه در این آیه آورده می‌شود نسبت ارتباط بین اجزاء است.

- در آیه نظام تدبیر بیان نمی‌شود بلکه نتیجه بیان شده است. اول و آخر گفته شده است و یقین آوردن به آن، از ما خواسته شده است. می‌خواهد ایمان ما به آخر، به نظام تدبیر متصل نباشد.



- نکته: «تفکر»، حق را از عقل می‌گیرد و بر اساس قوانین عقل، برای آن راهکار استخراج می‌کند. (به همین دلیل تفکر حتماً به تعقل احتیاج دارد)

- «تفکر» از جنود عقل است. به اصطلاح وزیر عقل است.

- توجه: این سوره می‌خواهد انسانی را ایجاد کند که آن انسان مانند تکوین، مبتنی بر کتاب زندگی کند. همان‌طور که گیاهان، خورشید و بر طبق کتاب زندگی می‌کنند، انسان‌هایی نیز هستند که آنها هم کاملاً بر طبق تکوین زندگی می‌کنند.

- انشاءالله رعد این سوره بزند و آسمان دل ما را باردار کند (حاملِ وقر کند) و سپس یک بارش رحمانی از آسمان دلمان بر وجودمان نازل شود تا ما هم اولوالباب شویم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل على محمد وآل محمد والحمد لله رب العالمين